

دیده بان

سیاسی، فرهنگی، اجتماعی
سال سوم / شماره بیست و
هشتم
اسفندماه ۹۶



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

حسن باربرز، محمدرضا باقری، مریم جمالی،
زهرا خدرزاده، محمد رضا دهدشتی، آرمان
رستمی، رضارضایی، احسان زارع، بنیامین صفری،
حمیدطیپی خرمی، سجاد غلامی نژاد، امیرحسین
قاسمی، محسن محیط، رضامردانی، رضاملاکی
حسین نعمتی

محمدرضا باقری
دندانپزشکی 93



سخن سردبیر

دانشجوی انقلابی رسالتی دارد که صرفا با گذراندن واحدهای درسی و اخذ

مدرک حاصل نمی شود. او باید پرچم دار آرمان خواهی و مطالبه گری در جامعه باشد اهل تهذیب نفس و معامله با خدا بوده ،
حامل و پیام رسان انقلاب و آرمان های آن باشد و افق رسیدن به تمدن اسلامی را دنبال کند. نشریه دیده بان در طی ۲۷ شماره
گذشته خود سعی داشته این رسالت را به انجام رساند و از این پس نیز به شکلی جدی تر این رسالت را دنبال خواهد کرد. در این
مجموعه سعی خواهد شد که از دغدغه های یک دانشجوی انقلابی و آرمانگرا در قبال مسائلی که پیرامون کشور و جامعه اش
میگذرد بیشتر بنویسیم از مشکلات دانشجوی و دانشگاه بنویسیم و پای درد دل های دانشجویان بنشینیم و تا آنجا که میتوانیم به گوش
مسئولین برسانیم. البته در این راه نهایت تلاشمان را به کار خواهیم بست که اگر نقد و تحلیلی صورت می گیرد منصفانه، از سر
دلسوزی و برای گره گشایی باشد (نه از سر عقده گشایی).

مجموعه دیده بان در این راه دست نیاز و همکاری خود را به سوی تمام دانشجویان عزیز دراز میکند؛ باشد که قدمی باشد در
جهت انجام رسالت خویش.

شما عزیزان میتوانید انتقادات، پیشنهادات و نظرات خود را پیرامون نشریه؛ از طریق راه های ارتباطی موجود در انتهای نشریه به
گوش ما برسانید. دیده بان با نگاه شما جان میگیرد و انتقادات و پیشنهادات شما موجب دلگرمی و انگیزه بیشتر ما می شود.

آنچه در این
شماره می خوانیم:

سخن سردبیر

صفحه ۱

بسم رب الفاطمه

صفحه ۱

ذبح حیا و غیرت در حریم علم!!

صفحه ۲

رند عالم سوز را

مصلحت بینی چکار؟!

صفحه ۲

دختر خیابان انقلاب

صفحه ۳

راهی نور شو !!

صفحه ۴

از احتیاط تا انزوا

حسین نعمتی

پرستاری 96



بسم رب الفاطمه

اول ، سلام و درود بی پایان خدمت به ساحت مقدس حضرت زهرا (س)

می خواهم برای زهرا (س) روضه بگویم ... آن هم فقط یک جمله... ” زهرا حرم ندارد“ ...

زهرا کیست ... زهرا شفیعه المحشر است... زهرا صاحب سوره کوثر است ... زهرا دختر پیغمبر است ... زهرا

سیده نساء العالمین است ... زهرا مدافع حریم حیدر است ...

” ۱۷۰۰ سال است که همه ی سخنوران عالم درباره ی مریم داد سخن داده اند. ۱۷۰۰ سال است که همه

ی فیلسوفان و متفکران ملت ها در شرق و غرب ، ارزش های مریم را بیان کرده اند. ۱۷۰۰ سال است که شاعران جهان در ستایش مریم همه ی ذوق و
قدرت خلاقه شان را بکار گرفته اند. ۱۷۰۰ سال است که همه ی هنرمندان ، چهره نگاران ، پیکره سازان جهان در نشان دادن سیما و حالات مریم ، هنرمندی
های اعجازگر کرده اند. اما مجموعه گفته ها و اندیشه ها و کوشش ها و هنرمندی های همه در طول این قرن های بسیار، به اندازه ی این کلمه نتوانسته
اند عظمت های مریم را بازگویند که مریم ما در عیسی است. و من خواستم با چنین شیوه ای از فاطمه بگویم ، باز درماندم. خواستم بگویم که فاطمه دختر
خدیدجه بزرگ است ، دیدم که نیست. خواستم بگویم که فاطمه دختر محمد(ص) است ، دیدم که نیست. خواستم بگویم که فاطمه همسر علی است دیدم که
فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر حسنین است دیدم که فاطمه نیست. خواستم بگویم که فاطمه مادر زینب است ، باز دیدم که فاطمه نیست.
نهییه... این ها هست و این همه فاطمه نیست... فاطمه ، فاطمه است.“

تاریخ دائما در حال تکرار است. واقعه عاشورا را می توان تکرار حادثه شهادت حضرت زهرا دانست. قصه عاشورا ، قصه دفاع از امام زمان است و واقعه شهادت
حضرت زهرا هم همان است. وقتی یکی عمر و زندگی اش را پای امام زمانش و بندگی خدا صرف کند خدا هم او را عزت و بزرگی می دهد و برترین مخلوقات
در جهان می کند. در بخشی از خطبه فدکیه حضرت زهرا خطاب به مردم می فرمایند: می دانید چرا به این حال و روز در آمده اید ، که ظلم به امام زمانتان
را درک نمی کنید و آن را تحمل می کنید؟ چون که رفاه زده و راحت طلب شده اید. شاید حال و روز امروز بعضی مردم ما هم باشد. مسیر فاطمه، مسیر
سخت طلبی و کمک به فقراست.

بیا بید شیوه و روش حضرت زهرا را بیاموزیم و آن را طی کنیم. مطمئن باشیم که راه حق است و انتهایش پیروزی است. بیا بید عهد ببندیم... عهد صادق ...
یک عادت خوب از دوران دفاع مقدس از رزمندگان ما برجای مانده : عهد ۴۰ روزه با حضرت زهرا. بیا بیدیم با حضرت زهرا عهد ببندیم و یک
گناه بزرگ خود را ترک کنیم. مطمئن باشیم کمکمان می کنند.



وقتی که دانش و علم به مضحکه ای دست اصحاب... تبدیل شود، یقیناً به حاشیه رفتنش کمترین گواه این مدعاست! در روزگاری که ارزش‌ها منقلب می‌شوند، علم آموزی سیر قهقراپی خواهد گرفت... بی حیایی، ژست روشنفکری می‌شود... غیرت پوست می‌اندازد... کمترین نتیجه انقلاب ارزش‌ها، همین است که اکنون در دانشگاه‌ها شاهدش هستیم. اتفاقاتی که حقیقتاً باید علتش را در جامعه ای جستجو کرد که ارزش‌هایی روز به روز بیشتر زنگ می‌زند. شاهد این جابجایی ارزش‌ها، انگشت‌نشان کردن دانشجویان در فضای مجازی است (کراش) که این روزها ملاحظه می‌کنیم. دانشجویانی که به قول شهید بهشتی باید مؤذن جامعه باشند که مبدا نماز امت قضا شود، اکنون خود پیش قراول حرکاتی شده که اثراتش را چندی بعد در فرزندان این ملت باید به نظاره بنشینیم... مرگ خاموش جامعه دانشجویی آنجاییست که کانال‌های منافی حیا و عفاف از دیگر کانال‌های علمی و تشکیلاتی دانشجویی پیشی می‌گیرند و کسی هم انگشت اتهام را به سمت خود دراز نمی‌کند که چه کسی مقصر است؟ مسیر را به چه سمتی برده ایم که نه تنها خود جامعه دانشجویی به خواب رفته است، بلکه مسیر جامعه را هم به همان سمت می‌برد؟ امروز نه تنها خبری از آرمان‌های جامعه دانشجویی نیست، بلکه ترکیب «جریان دانشجویی» به خنده دارترین لفظ در میان دغدغه‌داران فرهنگ مبدل شده است. جریان دانشجویی که قرار بود مبدا تحولات باشد، حالا آن افکارش به کدام پستو خزیده است؟ کمی برگردیم و از خود بازپرسیم، چرا؟ حال که این توهین به جایگاه حیا را شاهد هستیم، بهترین دلجویی، تحقیق بدون ملاحظه از این اتفاقات است. باشد که این ندا را لیک گویند... جناب مسئول! با شماییم!



رند عالم سوز را مصلحت بینی چکار!!!!

اطلاعیه: دانشجویانی که شهریه‌ی خوابگاه خود را پرداخت نکرده‌اند، حق انتخاب واحد در ترم آینده نخواهند داشت. (!) (اداره‌ی رفاه و امور خوابگاه‌های معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه «دولتی» علوم پزشکی بوشهر) همه از پله‌های خوابگاه پایین می‌آمدند و با تعجب به متن «تهدیدیه» ی معاونت دانشجویی خیره می‌شدند. متنی یا چاشنی تهدید که اصلاً به مذاق دانشجویان خوش نمی‌آمد. تهدیدیه‌ی عجولانه‌ای که هنوز هم مشخص نشده چرا معاونت با چنین روشی قصد رسیدن به خواسته‌های (هر چند به حق) خود را داشت... چنین رفتارهایی برای دانشجویان «شهرنشین» عجیب به نظر می‌رسید. تا جایی که یکی از این دانشجویان دست به قلم برد و با تنظیم یک شکواییه‌ی مجازی، شکایت خود را از جور و ستم مسئولان، به نزد کاربران اینستاگرام برد! بعد از طرح این شکواییه بود که تازه درد و دل دانشجویان در فضای مجازی شروع شد... کمی که پیش رفتیم ابعاد تازه‌ای از ماجرا خود را نمایان کرد. جایی که معلوم شد دانشجویان «بهمنی نشین» به هیچ وجه با چنین رفتارهایی غریبه نیستند. زیرا آنها رفتارهای پیشرفته‌تری هم از دوستان معاونت دانشجویی برای حصول پول از دانشجویان دیده بودند... روزی که با رفتاری بسیار توهین آمیز و در برابر بهت و تحیر دانشجویان، یکی از مسئولین محترم دانشگاه با یک عدد دستگاه «پوز» (!) و چند عدد شخص قوی هیکل (!) روبروی درب خوابگاه شهید آوینی (آریانا ۲) ایستادند و گفتند اگر پول ندارید حق ورود ندارید... متأسفانه آن روزها با تحمل و بردباری بیش از حد دانشجویان و البته سکوت مصلحت‌اندیشانه‌ی مسئولین تشکل‌های دانشجویی گذشت تا ماحصل آن شود این تهدیدیه...! (در مورد این سکوت‌های مصلحتی (شما بخوانید ساخت و پاخت مصلحتی!) حرف‌های زیادی برای گفتن داریم که متأسفانه مجال برای بیان آن‌ها تا کنون فراهم نشده. بگذریم!)

بعد از طرح چنین مسائلی توسط دانشجویان در فضای مجازی و انتشار آن در بین دانشجویان، معاونت محترم فرهنگی و دانشجویی در یک حرکت استراتژیک و ژئوپولیتیک (!) وارد عمل شده و با نگارش بیانیه‌ای، به طرح چنین موضوعاتی توسط دانشجویان واکنش نشان داد. واکنشی که مطالعه‌ی دقیق و سطر به سطر آن بیشتر مهر تایید دوباره‌ای بود بر انتقادات مطرح شده توسط دانشجویان. صحبت‌هایی بسیار شبیه به توجیهات برادر عراقچی در توجیه فواید برجام...!

شرایط به گونه‌ای شده بود که دانشجو در اینستاگرام متنی می‌نوشت، معاونت در بیانیه پاسخ میداد. مجدداً دانشجو در اینستاگرام تشکر میکرد، معاونت بیانیه میداد...! یعنی هی این می‌نوشت هی اون بیانیه میداد هی می‌نوشت هی بیانیه میداد، هی...!

نتیجه‌ی این اتفاقات خدا را شکر سرگرم شدن معاونت به بیانیه‌ها و عدم عملی شدن تهدیدشان بود. به هر حال هر چه که بود این ترم هم به خیر گذشت! بحث اصلی ما در این متن نه بر سر کلیت اخذ هزینه‌ی خوابگاه از دانشجویان است. به هر حال گرفتن این هزینه تا حدودی حق دانشگاه و معاونت دانشجویی است. ولی نوع رسیدن به این خواسته، باید به گونه‌ای طرح ریزی شود که در خور شأن و شخصیت دانشجو باشد. دانشجویی که به کلام شهید بهشتی، باید مؤذن جامعه باشد. دغدغه‌ی دانشجو باید بیداری جامعه و امت باشد نه ترس از انتخاب واحد ترم بعد!

ویژگی ذاتی علم این است که روح مطالبه‌گری و اعتراض را به قشر هدف خود القا می‌کند و در برابر تهدید و استبداد ذره‌ای کوتاه نمی‌آید. تجربه نشان داده است که ادبیات تهدید و زور هیچگاه برابر دانشجویان به نتیجه نخواهد رسید. ادبیاتی که از آغاز این سال تحصیلی در کلام مسئولین دانشگاه باب شده. موضوعی که به طرز کاملاً اتفاقی همزمان شده است با انتصاب مسئولین جدید در قسمت‌های مختلف دانشگاه... و چه همزمانی شگفت‌انگیزی! کمترین خواسته و انتظار دانشجویان از مسئولین این است که موضع خود را کاملاً شفاف در برابر چنین رفتارهای ناشایسته‌ای مشخص کنند و جلوی ادامه‌ی این روند را بگیرند. چرا که جنبش دانشجویی در نیم قرن اخیر ثابت کرده هرگاه نیاز باشد پا به عرصه بگذارد، توان انجام کارهای بزرگی را دارد ...

در حالیکه صورتش را جمع کرده بود، دستش را توی هوا تکان داد و به حالت اعتراض رویش را به آن طرف کرد و گفت: «بخشید آقا! میشه لطفاً اینجا سیگار نکشین؟» مرد در حالیکه ایستاده بود، نیم نگاهی به او کرد و سیگار بدست از اتاق خارج شد. رویش را طرفم کرد و گفت «آخیش! داشت خفه میشدم. داشتیم چی میگفتیم؟» کمی فکر کرد: «ها.. داشت اینو میگفتم؛ واقعا این اعتراضات حجاب رو چرا سرکوب میکنن؟ چرا واقعا نمیزارن عیسی به دین خود، موسی به دین خود؟؟ چرا باید حجاب که یه چیز شخصیه اجباری باشه...؟» گفتم: «بنظرت دلیل این کشف حجاب ها چیه؟» کمی فکر کرد: «شاید رسیدن به حق و حقوق مساوی... دقیقا مثل مردها... رسیدن به آزادی...» گفتم: «آزادی از نظر تو چیه؟!» گفت: «یعنی هر کسی، هر جوری دوست داره بیوشه، یعنی هر اعتقادی داره، داشته باشه.. عدالت بین زن و مرد... حجاب یه چیز شخصیه..» گفتم: «عدالت بین حقوق زن و مرد، یعنی زن و مرد به حقوقشون برس، درسته؟!»

گفت: «آره خب... بین من مخالف این تبعیضها هستم... چرا باید خودمونو بیوشونیم ولی اونا راحت باشن؟ چرا باید بینمون فرق باشه؟ خب نگاهشونو بگیرن... فقط به ما گیر میدن» گفتم: «خب موضوع اینه که زن و مرد اصلا حقوقشون مساوی نیست.. آگه به خلقت زن و مرد توجه کنی، اصلا ویژگی های روحی و روانی، حتی جسمی شونم با هم فرق می کنه... پس توانایی ها، نیازها، در نتیجه مسئولیت ها و حق و حقوق اجتماعی شون هم فرق می کنه.. زن و مرد از نظر ارزش و منزلت انسانی کاملاً برابر هستن اما از نظر حقوق اجتماعی نمیتونن برابر باشن.. این جمله رو قبول داری که زن و مرد مکمل هم هستن؟! آگه هر دوشون توی همه چیز برابر و مساوی میبودن اونوقت که نمیتونستن مکمل هم باشن... توی دین هم هر کدومشون بر اساس همون ویژگی های خاصی که توی روح و جسم شون هست، وظایفشون تعیین شده...» گفتم: «بین حجاب یه چیز شخصی هست... اجبار چرا؟ وقتی کسی رو از چیزی منع کنی بیشتر به طرف اون حریص میشه، اینطور فکر نمیکنی؟» «این آقایی بود که اینجا سیگار می کشید. بهش گفتم بیرون بره چون دود سیگارش هم به خودش ضرر میرسوند هم ما رو آزار می داد.. درسته؟» «خب این چ ربطی به حجاب داره؟» «یه موضوع تا موقعی شخصی هست که به کسی غیر از خودت آسیب نرسونه... وقتی دیگران هم درگیر موضوع میشن، دیگه اون شخصی نیست، بلکه یه آسیب اجتماعی... تو نماز بخونی یا نخونی، به دیگران ضرر یا نفعی نمیرسه، پس نماز تو یه چیز شخصیه... اما موضوع حجاب مثل همون سیگار میمونه... تو تا موقعی که توی خونه خودت هستی، حجاب تو همیشه شخصی اما وقتی وارد اجتماع میشی دیگه به دیگران هم مربوط میشه... همین که پاکی نگاه خلیلا گرفته میشه... همین که تنوع طلبی بیشتر میشه... همین که جوونهای که میخوان پاک زندگی کنن اما شرایط ازدواج رو ندارن، براشون مشکل میشه... خیلی آسیب های دیگه... همیشه بهش گفت شخصی... مثلاً تو نمیتونی آب یک شهر رو مسموم کنی، بعد بگی هر کسی نمی خواد نخوره! خب افراد نیاز دارن که آب بخورن.. اصلاً شاید ندونه که مسمومه.. شاید نتونه بره خارج از شهر... شاید اونقدر تشنه بشه که به آب مسموم هم راضی بشه... (آدم از هر چیزی منع بشه، بیشتر طرفش می ره) این حرف بطور کلی درسته اما وقتی جای درستش استفاده بشه... شهید مطهری میگه: «در صورتی آدم از هر چیز منع بشه به طرفش می ره که تمنای چیزی رو در فرد بیدار کنیم، بعد منعش کنیم... ولی وقتی عرضه ای نباشه، پس حرص و ولع هم کم میشه» مثلاً ما که نمیتونیم به ملت بگیم پولاشونو توی خونه نگهدارن و درهای خونشون رو قفل نکنن؛ در عوض دزدی رو آزاد کنیم چون انسان از هر چیز منع بشه، در موردش حریص میشه، میتونیم بگیم؟! اینکه بیایم و محدودیت ها رو برداریم موضوع حل میشه و فقط پاک کردن صورت مسئله ست... پس بجای آزاد کردن حجاب و بجون خریدن هزاران آسیب اجتماعی و روحی، بهتره با متخلفین برخورد بشه...»

کمی فکر کرد و گفت: «توی خود قرآن اومده (لا اکره فی الدین).. ببینی که خود قرآن هم میگه اجباری توی دین نیست. همه که نباید اعتقادات و نظراتشون یکی باشه و اجباراً انجام بدن.. شاید اصلاً نخوان اسلام رو قبول کنن...» «حتماً این آیه رو هم شنیدی که میگه (ان الدین عندالله الاسلام).. یعنی تنها دینی که مورد پذیرش خواهد شد فقط اسلامه... وقتی میگه اجباری توی دین نیست یعنی اینکه هر کسی اختیاری داره، میتونه انجام بده یا انجام نده... اما کسی که میخواد مسلمان باشه و در دین اسلام طی طریق کنه «باید» این کارو انجام بده... حتی اگر نا خوشایند باشه البته از نظر ما.. و حجاب توی قرآن حکم شده... حکم بمعنای انجام دادن اجباری هست، نه اختیاری! اینکه هر کسی اعتقادی داره درسته! توی دین هم گفته شده که اگر کافران، توی سرزمین اسلامی باشن و کاری علیه شما و دین خدا انجام ندن، حق درگیری با اونها رو ندارین، که اگر درگیر بشین از ظالمان هستین! اما اگر کاری رو برخلاف کنن «باید» باهاشون برخورد بشه... یادمه یه بار اخبار ۲۰:۳۰ قوانین عجیب و غریب بعضی از کشورها رو پخش میکرد، مثلاً؛

توی یه کشوری، آگه روزی خاص رو آدامس بخوری، جریمت میکنن یا توی یه کشور دیگه اگر لامپ خونتون سوخت، حق نداری خودت عوضش کنی و باید زنگ بزنی جای مخصوصی که دارن اونا بیان تعویض کنن...
حالا اگر من برم توی یکی از این کشورها یا اصلاً بومی اونجا باشم موظف هستم اون قوانین رو رعایت کنم و در غیر این صورت باید اونجا رو ترک کنم. یا مثلاً توی آمریکا یا کشور های اروپایی اگر هلوکاست رو زیر سوال ببری، بدترین مجازات ها میشی... خب حجاب هم قانون این کشور اسلامیه.. اگر کسی میخواد اینجا زندگی کنه موظفه رعایت کنه.. در غیر این صورت باید بره.. مثل بقیه ی کشور ها..» «پس چرا توی جامعه ی غربی نگاه مرد به زن کاملاً عادی و انسانی هستش؟! اینجا هم اگر حجاب آزاد شه، همه چیز عادی میشه، عادت میکنن...» «نگاه مردها عادی نیست... اصلاً مردی که براش عادی هست، بیماره باید به پزشک مراجعه کنه.. اصلاً نکته اینجاست که خدا نمی خواد زیبایی های یه زن برای مرد عادی بشه.. این خلاف خلقته.. زن ذاتاً زیباست و میل به خودنمایی داره... مرد هم ذاتاً زیبایی دوسته و دنبال چیزهای زیباست.. مگه کسی می تونه از خلقت وجودیش فاصله بگیره؟! در اون صورت مشکل داره.. تفاوت اونها اینه که اونجا، از سنی که به بلوغ میرسن هر وقت اراده کنن میتونن از این زیبایی ها استفاده کنن، بدون هیچ محدودیتی! مرد ها و زن هایی که شرط ازدواجشون ادامه ی روابط ازدادشون حتی بعد از ازدواجه... اگر زن و زیبایی هاش براشون عادی شده، چرا حتی توی تبلیغات شون از زنها استفاده میکنن؟ چون می دونن خلیلا بخاطر همین جذب اون تبلیغات میشن... پس زن هنوزم جذابیتش رو داره و نگاه بهش عادی نیست... اما جامعه ی ما کاملاً از نظر اعتقادی و فرهنگی با اونا فرق می کنه.. همیشه هیچ جوهره این دوتا جامعه رو باهم مقایسه کرد... همه چیز از دور قشنگ بنظر میرسه... آدمای زیادی بودن توی خارج که مسلمان شدن... بی حجاب هایی که حجاب رو کشف کردن و خیلی بهتر از امثال ما قدرش رو می دونن... نشنیدی در مورد خواننده ی معروفی که مسلمان شد و حجاب رو یکی از مهمترین ارزش های زندگیش دونست؟ راه دور نریم... شهید های خودمون که توی سن کم شهید شدن.. بنظرت چرا رفتن جبهه و شهید شدن؟» «خب برای آرامش و آسایش مردم» «دقیقا... اما مهمترین دلیلش حفظ اسلام و حجاب بود... وصیت نامه های اکثرشون رو نگاه کنی حجاب رو برابر با جهاد و شهادتشون دونستن... حتی شهیدی بود که نوشته بود به مادرش که حتی اگر شهید شدم هم راضی به گریه ی تو نیستم اما اگر زنان جامعه بی حجاب شدن، راضیم که بخاطر این موضوع گریه کنی... یا شهید دیگه ای

گفته بود، خواهرم سرم رفت اما روسری ات نرود... چه خون هایی که ریخته شد... چه افرادی که خونه و زندگیشون رو رها کردن برای آسایش... اسلام... حجاب... ما مدیونیم. البته حجاب، پوششی معقوله... چه با مانتو و چه با چادر.. نباید اونو فقط به چادر نسبت داد... کمی فکر کرد و گفت: «راستش فکر میکنم بحثمون بی نتیجه س... توی این موضوع من و تو دو تا خط موازی هستیم...» با خودم فکر کردم، خیلی خوب میشد، اگر دین را عمقی و با استدلال منطقی بررسی کرد چون حتی اگر هیچکس قانع هم نشه ولی مسلما به حرفهامون فکر میکنه... آنوقت خیلی بهتر میشد به حقیقت پی برد...



حمیدطیپی خرمی
دندانپزشکی 95



راهی نور شو !!!

سعادت بندگانیش ... و بنام

به نام آنکه عقل را آفرید تا وسیله ای باشد برای

آنکه عشق را آفرید تا در کشاکش میان عقل و عشق، محوشدگان در وجودش را بیازماید...

بعضی وقتها قلم از نوشتن طفره می رود؛ طفره می رود چون می داند آنچه بر صفحه ی کاغذ می نگارد، آنچه که باید باشد، نیست. الان یکی از همان وقت هاست!

کلمات از توصیف آن همه عشق و پاکبازی و اخلاص عاجزند. شاید بعضی ها بگویند: «این حرف ها را صدها بار

شنیده ایم؛ یک مشت حرف های کلیشه ای ...! «آری این حرف ها کلیشه ای اند اما تا وقتی که بیرون از گود ایستاده ای و به آنها گوش می دهی! پس بیا داخل

گود ... بیا و خودت را برای یک بار هم که شده به منبع نور نزدیک تر کن ... بیا تا بفهمی حال آن دختری را که دوران بچگی اش گذشت، با آرزوی اینکه یکبار و

فقط یکبار، پدرش موهایش را شانه بزند. بیا تا بفهمی حال آن زوج عاشقی را که با هم بودندشان، یک روز بیشتر طول نکشید و بی هم بودندشان سی سال ... بیا تا

بینی راه و رسم رزمندگانی را که با عشق جان دادند اما لحظه ای از ناموس و خاک این سرزمین غافل نشدند ...

آری، داخل گود که بیایی تازه می فهمی حرفهایی که شنیده ای، کلیشه ای تر از آنچه که فکر می کرده ای بوده اند ...! چرا که این همه ایثار و عشق را با چند

جمله و کتاب و فیلم نمی توان به تصویر کشید.

همه ما دعوتیم ... اسفند ماه امسال، دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، دعوتند به یک میهمانی بزرگ ... یک میهمانی بزرگ به میزبانی نور برای عاشقان نور

... زمان ثبت نام: ۳۰ بهمن الی ۸ اسفند/ تاریخ اردو: برادران: ۹ تا ۱۲ اسفند خواهران: ۱۶ تا ۱۹ اسفند / راه های ثبت نام: ۱. ثبت نام حضوری در غرفه های راهیان نور

در دانشگاه شهرو پردیس ۲. ارسال نام و نام خانوادگی به شماره های زیر: برادران ۰۹۹۰۲۶۶۷۴۴۸ خواهران ۰۹۰۳۲۷۱۷۴۰۸

علیرضا دریایی
پزشکی 96



از انحطاط تا انزوا

در نیمه ی دوم سال ۱۳۶۷ هـ.ش فضای جهان اسلام مملو بود از خشم و نفرت نسبت به حکومت های طاغوتی زمان. روباها پیر از دسیسه ی جدیدش رونمایی کرده

بود، این بار از یک خودی ضربه خورده بودیم، از یک به ظاهر مسلمان، از فردی که بعدها مشخص شد به صهیونیسم تعلق بیشتری دارد. صهیونیسم!! کلمه ی نام آشنای

توطئه ها و سرخ تمام لجاجت ها بر ضد ادیان ابراهیمی... یک دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می گذشت و حالا پس از تحمل خون دلهای فراوان فرزندان روح

الله، دوران تابندگی فروغ آن فرارسیده بود. سربازان شیطان غضبناک از گسترش روزافزون فرهنگ انقلاب اسلامی در سرتاسر این کره ی خاکی دست به اقدامی ننگین

زدند. تحریف در مقدسات اسلام از طریق چاپ کتابی موهن، با نویسندگی بازیچه ای بنام (سلمان رشدی)! رشدی در خانواده های هندی الاصل و مسلمان به دنیا آمده و

در ۱۳ سالگی جهت تحصیل به انگلستان اعزام می شود. دورانی حساس برای شکل گیری ایدئولوژی های فکری او در طول زندگی خود در انگلستان به بی دینی و بی

اعتقادی مطلق می رسد و در نهایت منکر خدا می شود و این عقیده را رسماً در گفتگو با مجله اشترین تحت عنوان (من قهرمان نیستم) بیان می کند. چنین نویسنده ای

تحت حمایت غرب و صهیونیسم برای مقابله با رشد روزافزون اسلام خواهی در جهان، دست به نوشتن کتابی به نام آیات شیطانی می زند. کتاب آیات شیطانی برخلاف

آنچه گفته می شود یک کتاب ادبی با درون مایه علمی و نظری نیست، بلکه داستانی است افسانه ای و زاینده ذهن نویسنده که در آن تصاویر بسیار زشت و سخیفی از

قرآن و شخصیت های اسلامی ارائه می شود. استکبار جهانی که ریشه ی انقلاب اسلامی را در بعثت پیامبر اعظم می دید، تصور می کرد با اهانت به پیامبر اکرم می تواند

از صدور انقلاب اسلامی ایران به سراسر جهان پیشگیری کند، اما پیر جماران با بصیرت الهی خود از طریق صدور فرمانی تاریخی تمام نقشه های گسترده شیاطین زمان

راخنثی کرد. فتوای امام موجب همبستگی و اتحاد بیشتر مسلمانان نقاط مختلف جهان در برابر دشمنان جهان اسلام شد و بار دیگر جایگاه تعیین کننده فتوای علمای

اسلام را در سرنوشت جامعه اسلامی به اثبات رسانید. رشدی پس از این فتوا به دامان نیروهای امنیتی انگلیس و آمریکا پناه برد. از منظر اجتماعی به مرده ای متحرک

بدل گردید، همچون چاقویی که دیگر برشی برای اربابان خود نداشت. در پایان جادار یادی کنیم از نخستین شهید اجرای حکم تاریخی امام خمینی، شهید مصطفی

مازح که به ندای امام خود لبیک گفت و آسمانی شد.

تماس، اس ام اس، تلگرام، واتساپ:

راه های ارتباطی با دیده بان

اگر تمایل دارید مطالبتون توی نشریه دیده بان با اسم و عکس خودتون چاپ بشه لطفا کلمه (دیده بان) را به این شماره پیامک نمایید.
۰۹۳۸۶۰۸۱۶۳۶

درخواست ها، انتقادات و پیشنهادات خود را با ما در میان بگذارید.
۰۹۳۸۶۰۸۱۶۳۶

@didebaan_bpums

راه های ارتباط مجازی:

@basijbpums

basij.bpums



منتظر اعلام همکاری شما

عزیزان هستیم.